مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۶ / تابستان ۱۳۹۸ / ص ۷۶-۶۱

بررسی دین، مذهب و فرهنگ در آفریقا (به صورت موردی: سنگال و تانزانیا)

آرمان محسنی[۱]، ساجده شریفی[۲] ، فاطمه پاکزاد[۳]، فاطمه محمدی[۴]، نادره جاهد[۵]، محمدرضا مقومی[۶]

[۱] دانشکده فنی مهندسی، دانشجوی مهندسی مکانیک، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
[۲] دانشکده علوم انسانی، دانشجوی روانشناسی ، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
[۳] دانشکده معماری شهرسازی، دانشجوی مهندسی معماری، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
[۴] دانشکده علوم انسانی، دانشجوی روانشناسی ، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
[۵] دانشکده معماری هرسازی، دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو
[۶] عضو هیات علمی، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو

نویسنده مسئول:
محمدرضا مقومی

چکیده

امروزه در صحنه بین الملل، رقابت گسترده‌ای میان کشورها برای تاثیرگذاری و نفوذ بر سایر کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه در حال انجام است تا برآیند این نفوذ تامین منافع راهبردی باشد. این مهم در راستای اهداف ویژه‌ای نظیر منافع ملی، ارزشهای سیاسی اجتماعی، دیدگاه‌های فرهنگی و یا نظایر آن می‌باشد. برهمین اساس و با توجه به زمینه‌های مشترک برخی کشورها، رقابت برای ورود به حوزه فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و علمی بیش از پیش در حال شکل‌گیری است.

در این تحقیق با عنایت به زمینه‌های موجود در کشورهای آفریقایی، به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دینی دو کشور هدف یعنی تانزانیا و سنگال پرداخته شده و نتایج بررسی‌ها نشان‌گرآن است که باید جمهوری اسلامی ایران از این فرصت‌ها به نحو مطلوبی استفاده نموده و در رقابت با کشورهای اروپایی و یا عربی گوی سبقت را از دست ربوده و در جهت گسترش نفوذ فرامنطقه‌ای حرکت نماید.

واژگان کلیدی: دیپلماسی فرهنگی، تانزانیا، سنگال.

مقدمه

قاره آفریقا با ۶۱ کشور یکی از بکرترین مناطق دنیا برای ورود و سرمایه‌گذاری کشورهای درحال توسعه و یا توسعه یافته تلقی می‌شود. اشتراکات فرهنگی، زبانی، دینی، نژادی و ... می‌تواند به عنوان عوامل موثر جهت تسهیل در این امر شده و می‌تواند اهداف راهبردی را در این خصوص تحت تاثیر نماید. تا کنون محققین زیادی در رابطه با شناسایی جوامع آفریقایی پژوهش‌های گسترده ای انجام داده‌اند.
عرب احمدی در تحقیق جامعی در خصوص "جامعه و فرهنگی زنگبار" بر ویژگی های فرهنگی و اجتماعی این مجمع الجزایر متمرکزنموده و علاوه بر بررسی تحلیلی جامعه، شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی این سرزمین نیز به گونه ای مبسوط مورد بحث قرار گرفته است .در این میان دین اسلام که در تاروپود جامعه اسلامی زنگبار رسوخ یافته نیز به عنوان مهمترین شاخصه اجتماعی و فرهنگی این جمهوری خودمختار و بر اساس اطلاعات موجود بررسی و جایگاه دین اسلام در سرتاسر مجمع الجزایر زنگبار تشریح و بررسی گردد. [۱]
دیوید شین و جاشوا آیزنمن در سال ۲۰۱۲ در کتابی با عنوان " چین و آفریقا، بازگویی یک قرن از روابط چین و آفریقا" کلی روابط چین با کشورهای آفریقایی را در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، رسانه، آموزش و نظامی و سرمایه گزاری مورد بررسی قرار می دهد و آنگاه به طور خاص به رصد و بررسی این روابط در مناطق مختلف آفریقا می پردازد [۲]

مارتین و همکاران در تحقیقی در سال ۲۰۰۹ تحت عنوان " رابطه بین موازنه بین مصرف انرژی و رشد اقتصادی در تانزانیا" در خصوص استفاده چشمگیر از سوخت های فسیلی در آفریقا و علی الخصوص سوخت های زیستی و تولید سیستم انرژی های نو در تانزانیا به تحقیق پرداخته اند. [۳]

مارتین مردیت در ۲۰۰۵ در کتابی با عنوان " دولت ها در آفریقا، تاریخ آفریقا از ابتدای استقلال" اعتقاد داشت که سیاست ها و تصمیمات گروه G8چیزی جز نابودی کشورهای جهان سوم و به ویژه آفریقا نیست و بدبختی های آفریقای مدرن آن را به روشنی بازمی گوید .حضور قدرت های جهانی در آفریقا، نتیجه ای جز ظاهرسازی و بی نظمی نداشته است .این کتاب یک روایت تاریخی از اوضاع و تحولات کشورهای بزرگ آفریقایی پس از استقلال است. [۴]

ساندکلر و استید در سال ۲۰۰۰ در کتابی تحت عنوان "تاریخ مسیحیت در آفریقا" به عنوان یک کتاب مرجع برای بیان چگونگی ورود مسیحیت در آفریقا و رشد و نمو آن در این قاره و همچنین تغییرات و تحولاتی که از ابتدا تا اواخر قرن بیستم به خود دیده و اثراتی که در این قاره برجای گذارده است و وضعیت و جایگاه مسیحیت و مسیحیان را در تک تک کشورهای آفریقایی می‌پردازد. [۵]

روش تحقیق

در این مقاله از منابع کتابخانه ای استفاده شده است. همچنین ابتدا تعاریف و الزامات و شاخصه های دیپلماسی فرهنگی تعریف شده و سپس به صورت جداگانه هر دو کشور تانزانیا و سنگال مورد تحقیق قرار گرفته اند.

دیپلماسی فرهنگی

اگر دیپلماسی را «فن مدیریت تعامل با جهان خارج» توسط دولت‌ها بدانیم، ابزارها و سازوکارهای متعددی برای اعمال این مدیریت می‌توان به‌کار گرفت. از آنجا که ملاحظات «سیاسی»، «اقتصادی» و «امنیتی» به‌طور سنتی سه حوزهٔ بنیادین در مباحث سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد؛ لذا در عرف نظام بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها با هدف تأمین منافع ملی کشور در سه حوزهٔ پیش‌گفته طراحی و با سازوکارها و ابزارهایی از همین سه جنس عملیاتی و اجرایی می‌شود. با این همه، به باور بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران علم روابط بین‌الملل، «فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی» رکن چهارم سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری از مواقع لایه‌های زیرین سه حوزهٔ دیگر نیز از آن منبعث می‌گردد.

اینکه آیا طراحی یک دیپلماسی فعال و پیشبرد موفقیت‌آمیز آن تا چه حد به خاستگاه فرهنگی آن بستگی دارد و یا اینکه یک فرهنگ کهن، پرمحتوا و مولد تا چه میزان می‌تواند زمینه‌ساز نهادینه کردن سازوکارهای لازم برای طراحی یک دیپلماسی پویا و نیز پرورش دیپلماتهای متبحر باشد، سؤالاتی مهم در این حوزه به شمار می‌روند.

مزایای دیپلماسی فرهنگی

استفاده از فرهنگ و به خدمت گرفتن ابزارهای فرهنگی در دیپلماسی در مقایسه با سایر ابزارها و اهرم‌های رایج در روابط بین‌الملل دارای مزایای بسیاری است که مهم‌ترین آنها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. مواجه شدن با مقاومت کمتر در جوامع و کشورهای مقصد از کلیدی‌ترین مزایای دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شود. یکی از مهم‌ترین علل ناکامی دولت‌ها در رسیدن به اهداف سیاست خارجی‌شان در سایر کشورها مقاومت‌هایی است که در کشورهای مورد نظر در مقابل پیاده شدن آنها صورت می‌گیرد. از آنجا که فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در بسیاری از موارد ضمیر ناخودآگاه مخاطبان خود را هدف قرار می‌دهد و با لطافت و ظرافت غیرمشهودی بر لایه‌های عمیق اذهان ایشان تأثیر می‌گذارد، لذا در مقایسه با سایر ابزارهای شایع در دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی با سهولت بیشتری در لایه‌های زیرین جامعه و با عمق بیشتری رسوخ می‌کند و بر جای می‌ماند.

۲. عاری بودن دیپلماسی فرهنگی از لحنی خصمانه و آمرانه در کنار جذابیت بیشتر و نامحسوس بودن اعمال آن و در نتیجه، هدف قرار دادن ذهن و روح مخاطبان خود از دیگر مزایای آن است. دیپلماسی آن گاه که با هدف تسخیر اذهان و قلوب مردمان سایر جوامع طراحی و اعمال می‌شود، نباید با یک تلقی خصمانه، منفی و سلطه‌طلبانه در ذهن مخاطبان همراه باشد. مخاطب قرار دادن جوامع و کشورهای دیگر، چه در سطح دولتها و چه در سطح ملتها، آن گاه که با ابزار قهرآمیز و لحنی آمرانه صورت گیرد، هرچند که ضمانت‌های اجرای خود را نیز در کنار داشته باشد، با مقاومت در هر دو سطح روبه‌رو می‌گردد و سرانجام، منجر به صرف هزینه‌ی بیشتر و مقبولیت و کارآیی کمتر می‌شود.

۳. در دیپلماسی فرهنگی فرصت بهتری برای حضور جدی‌تر و مجال بیشتری برای ایفای نقش مؤثرتر توسط بازیگران غیررسمی، نهادهای مدنی و اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی مهیا می‌شود و این به نوبهٔ خود بر گسترهٔ حوزهٔ مانور و دامنهٔ تأثیرگذاری دیپلماسی فرهنگی در مقایسه با دیپلماسی کلاسیک سنتی می‌افزاید.

۴. دیپلماسی فرهنگی بیشتر به دنبال کشف، تعریف و ترویج ارزش‌ها و منافع مشترک و جهان‌شمول و سپس، تأمین منافع ملی در چارچوب این ارزش‌ها و منافع مشترک است.

۵. دیپلماسی فرهنگی می‌تواند به منزله فتح بابی برای مفاهمهٔ بیشتر و بهتر میان کشورها به کار گرفته شود و به مرور زمان، منجر به پایه‌ریزی روابط عمیق و پایدار فرهنگی میان کشورها شود و این تعمیق، حتی می‌تواند به حوزه‌های سیاسی و امنیتی هم تسری یابد.

۶. و سرانجام، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند خلاقانه‌تر، انعطاف‌پذیرتر و حتی فرصت‌طلبانه‌تر از دیپلماسی کلاسیک و سنتی در بسیاری از حوزه‌ها طراحی و اجرا شود.

با این توصیفات، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند عرصهٔ ظهور همهٔ ظرفیت‌های بالقوه و قابلیت‌های تاریخی، علمی و هنری یک کشور در حوزه‌هایی از قبیل ادبیات، شعر، سینما، موسیقی و سایر زیرشاخه‌های فرهنگ و هنر شود. [۶]

شاخص‌های تحقق دیپلماسی فرهنگی ایران

شاخص‌های تحقق دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می تواند به ترتیب زیر باشد:

الف) تأکید بر عناصر مشترک یا قرابت‌های فرهنگی شامل: حوزه تمدنی، حوزه جغرافیای فرهنگی که نوروز و زبان فارسی نمونه‌های حلقه اتصال فرهنگی ایران در منطقه اند، حوزه تمدن اسلامی، ایجاد گفتمان‌های عدالت محور و صلح طلب به ویژه پس از انقلاب، گسترش گفتگوی سازنده با ادیان و مکاتب جهان در پس از انقلاب

ب) توجه به جغرافیای فرهنگی ایران در حوزه تمدن ایران باستان برای برنامه ریزی فرهنگی در جهت غلبه بر چالشهای فرهنگی عربیسم، هندوئیسم، بودائیسم، کاتولیک، ارتدکس، اروپا و آفریقا، در سطح منطقه ای و جهانی.

پ) تکیه بر ظرفیت‌های داخلی فرهنگ ملی ایران شامل: دین، وجود فلسفه و مذهب، زبان فارسی، خانواده، حکومت، وجود روشنفکران مذهبی و غیرمذهبی مستقل میهن دوست، تفکر و اندیشه جهانی ایرانیان، ایدئولوژی جهانی و انقلابی.

ت) امکان برخورداری از تکنولوژی و ارتباطات به عنوان سلاح مؤثر فرهنگی در جهت مقابله با چالش‌های فرهنگی کشورهای قدرتمند تهاجم فرهنگی غرب و گسترش فرهنگ ملی ایرانی در سطح منطقه و جهان .

حوزه فراتمدنی و دیپلماسی فرهنگی

حوزه فراتمدنی اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران پیرو دین اسلام‌اند و از این حیث جزئی از قلمروی جغرافیایی وسیع‌تری به نام جهان اسلام محسوب می‌شوند. آیین اسلام واقعیتی فوق تاریخی، فوق اجتماعی و فوق فرهنگی است. از این منظر، سهم ایران در شکوفایی تمدن اسلامی که خود آن بر شکوفایی علم در جهان و قرابت‌های مذهبی بین مسلمانان مانند اعتقاد به یگانگی خداوند، قرآن، پیامبر اکرم (ص)، قبله و اعمال عبادات و آرمان‌های الهی بشریت در سرزمین‌های اسلامی از شرق اندونزی تا غرب آفریقا به‌عنوان عامل همگرایی، نزدیکی و به هم پیوستگی ملت‌ها می‌باشد، ایران را به یک کشور فراتمدنی در جهان معرفی می‌کند. لذا فعالیت‌های فرهنگی با گرایش دیپلماسی در این زمینه، می‌تواند تمدن اسلامی ایران را در سطح جهانی مطرح نماید و همه کشورهای اسلامی در ایجاد قدرت نرم ایران جزو اهداف دیپلماسی فرهنگی آن قرار بگیرند. در اینصورت، جمهوری اسلامی ایران در فعالیت‌های فرهنگی علاوه بر توسعه دیپلماسی فرهنگی خود در منطقه، می‌تواند جهانی اندیشه کند و گام بزرگی را برای قدرتمندی در سطح جهان بردارد. تحقق چنین برنامه‌ای و در جهت اهداف منافع ملی، مستلزم تدوین برنامه ریزی بلندمدت و اجرای دیپلماسی فرهنگی قوی خواهد بود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عناصر مشترک فرهنگی در سه حوزه تمدنی، فرهنگی و فراتمدنی، در بخش فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی به توان برخورداری از نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و پرداخت هزینه می‌رسد. اتخاذ چنین برنامه‌ای با دیپلماسی فرهنگی و در جهت منافع ملی، آن را به‌عنوان کشوری قدرتمند در منطقه و در نهایت جهان مطرح خواهد ساخت. [۷]

در اینجا؛ با عنایت به تعاریف دیپلماسی فرهنگی و شاخص‌های بیان شده در این حوزه، در این مقاله دو کشور آفریقایی در منطقه شرق و غرب آفریقا (تانزانیا و سنگال) را مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهیم.

۱- تانزانیا

الف) زبان:

هر یک از اقوام ساکن تانزانیا به زبان بومی سخن خویش سخن می‌گویند. در این کشور زبان رسمی وجود ندارد ولی سواحیلی زبان ملی دوفاکتو کشور است. پس از استقلال کاربرد زبان انگلیسی همچنان در برخی مسائل رسمی ادامه یافته‌است، هرچند در مسائل اداری، یا جلسات مجلس نمایندگان و دولت از آن استفاده نمی‌شود. به همین جهت انگلیسی را نمی‌توان یک زبان رسمی دوفاکتو در مفهوم مضیق آن دانست. و تانزانیا یکی از معدود کشورهای آفریقایی است که یک زبان محلی زبان دوران استعمار را زیر سایه خود برده‌است. البته انگلیسی هنوز در دادگاه‌های عالی استفاده می‌شود و به این اعتبار می‌توان آن را یک زبان رسمی دوفاکتو در مفهوم موسع محسوب کرد. کاربرد انگلیسی در آموزش عالی و تجارت نیز چشمگیر است. بر اساس سیاست‌های رسمی زبانی تانزانیا که در سال ۱۹۸۴ اعلام شد، سواحیلی زبان عرصه اجتماعی و سیاسی کشور و آموزش ابتدایی و آموزش بزرگسالان است. انگلیسی زبان آموزش متوسطه، دانشگاه‌ها، فناوری و دادگاه‌های عالی است. اگرچه دولت بریتانیا از کاربرد انگلیسی در تانزانیا پشتیبانی مالی می‌کند، اما استفاده از این زبان در دهه‌های اخیر کاهش یافته‌است. پیش‌تر در دانشگاه‌های تانزانیا معمولاً دانشجویان با یکدیگر انگلیسی صحبت می‌کردند اما امروزه خارج از کلاس درس فقط از سواحیلی

استفاده می‌شود و حتی در کلاس‌های دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها هم استفاده از ترکیبی از سواحیلی و انگلیسی کاملا رایج است. از دیگر زبان‌های کشور می‌توان به زبان‌های هندی، بویژه گجراتی، زبان پرتغالی که هر دو توسط سیاهان موزامبیکی و گوان‌ها استفاده می‌شود و در سطح محدودتری زبان فرانسوی در همسایگی رواندا، بوروندی و کنگو اشاره کرد. بطور تاریخی زبان آلمانی در دوران استعمار کاربرد زیادی داشت اما امروزه کمتر بازمانده‌ای از آن دوران باقی مانده‌است.

ب) فرهنگ:

مردم تانزانیا از لحاظ فرهنگی از ایرانی‌ها و اعراب عمانی تاثیرات بسیاری گرفته اند. وجود تعداد زیادی از کلمات فارسی همچون شاه و کاکا و غیره در زبان سواحیلی که یکی از زبانهای رسمی این کشور می‌باشد، نشان دهنده روابط دو فرهنگ است. در خلال سال‌های پایانی قرن سوم هجری تا اوایل قرن چهارم، گروه‌هایی از خانواده‌های شیرازی به زنگبار مهاجرت کردند. هنوز هم پس از گذشت قرن‌ها در زنگبار ، اصل و نسب شیرازی به نوعی نجیب زادگی محسوب می‌شود.

مهاجرت ایرانیان شیرازی را می‌توان بزرگ‌ترین مهاجرت سازمان‌یافته مسلمانان به تانزانیا و شرق آفریقا دانست؛ این افراد با استقرار در رشته باریکی از سواحل و جزایر این منطقه از جنوب سومالی تا شمال کومور (نزدیک ماداگاسکار) موجب رشد سریع اسلام در منطقه شدند به گونه‌ای که ده‌ها مسجد در شهرهای ساحلی و جزایر زنگبار و تاگانکیا، کنیا و سایر کشورهای ساحل هند احداث شده و نوار ساحلی این منطقه قلمرو مسلمانان شد.

ایرانیان و اعراب مسلمان کنترل تجارت و توافق‌های ساحلی در جنوب شرق آسیا از هند تا شرق آفریقا را به دست گرفتند و در اثر این فعالیت‌های بازرگانی، این منطقه از مکنت و ثروت خوبی برخوردار شد؛ این جریان حدود ۵۰۰ سال ادامه یافت و آن‌ها در این مدت علاوه بر تجارت، دین اسلام را در میان بومیان مناطق کنیا، تانزانیا و اوگاندا تبلیغ کرده و گسترش دادند. آیین نوروز امروزه نیز در زنگبار برگذار می‌شود. از آثار باستانی ایرانی در تانزانیا می‌توان به حمام ساخته شده توسط دختر فتحعلیشاه ، چاه آب افشاری و مسجد جزیره دلفین اشاره نمود. همچنین توپ غنیمت گرفته شده در نبرد چالدران (شاه عباس اول) نیز در موزه تانزانیا نگهداری می‌شود. در تانزانیا حدود چهارهزار بلوچ فارسی زبان زندگی می‌کنند .

ج) سیاست:

حکومت تانزانیا جمهوری چند حزبی فدرال با یک مجلس قانون گذاری می‌باشد. در نوامبر ۱۹۷۸ ارتش اوگاندا به تانزانیا یورش برد، تانزانیا نیز در ژانویهٔ ۱۹۷۹ به حملهٔ متقابل دست زد، ۵ هزار تن از نیروهای تانزانیا به ۳ هزار تن از اوگاندایی‌های مخالف در تبعید پیوستند. در مدت یک ماه، جنگی تمام عیار گسترش یافت. رئیس جمهور تانزانیا، جولیوس نیره (Julius Nyerere) نیروهایش را در اوگاندا نگه داشت و از رئیس جمهور سابق اوگاندا، میلتون اوبوته (Milton Obote) اعلام حمایت کرد که این روند تا دسامبر ۱۹۸۰ و برگزاری انتخابات در اوگاندا ادامه یافت. در نوامبر ۱۹۸۵ نیره از قدرت کناره گرفت و معاونش، علی حسن امویني (Ali Hasan Mwini) در یک انتخابات تک حزبی و غیر دموکراتیک جانشین او شد. سرانجام در اکتبر ۱۹۹۵ اولین انتخابات چند حزبی و دموکراتیک در تانزانیا برگزار شد و بنیامین ویلیام امکاپا (Benjamin William Mkapa) با اکثریت آرا رئیس جمهور تانزانیا شد. در ۷ آگوست ۱۹۹۸ انفجار تروریستی در کنار سفارت آمریکا در دار السلام به وقوع پیوست که بیش از ۱۰ کشته بر جای گذاشت، حادثهٔ مشابهی نیز چند روز بعد در کنار سفارت آمریکا در نایروبی، کنیا اتفاق افتاد. رئیس جمهور وقت امکاپا، اقتصاد تانزانیا را سر و سامان داد و با آلودگی محیط زیست و قطع درختان جنگلی به مقابله برخاست و سیاست‌های تازه‌ای را نیز برای مقابله با بیماری مهلک ایذر در دستور کار قرار داد. در زمینهٔ سیاست خارجی نیز تانزانیا نقش دیپلماتیک پر رنگ تری در شرق آفریقا ایفا کرد و میزبان مذاکرات صلح کشورهایی چون روآندا و بوروندی شد. در اکتبر ۲۰۰۰، امکاپا مجددا در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری پیروز شد. در سال ۲۰۰۲ رهبر مخالفان دولت از رئیس جمهوری به خاطر خریدن یک جت شخصی به ارزش ۲۱ میلیون دلار به

شدت انتقاد کرد. در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵ در انتخابات ریاست جمهوری در تانزانیا، وزیر خارجه کابینه امکاپا، «جاکایا کیکوته» (Jakaya Kikwete) از حزب (CCM) با کسب ۸۰ ٪ آرا، اصلی‌ترین رقیبش، ابراهیم لیپومبا (Ibrahim Lipumba) از حزب (CUF) را که تنها ۱۱ ٪ آرا را به دست آورد به برتری رسید و به عنوان رئیس جمهور تانزانیا معرفی شد. در فوریهٔ ۲۰۰۸ نیز، میزنگو پیندا (Mizengo Pinda) نخست وزیر تانزانیا شد. در حال حاضر رئیس جمهور این کشور آقای جان ماکو فولی و نخست وزیر آن آقای ماجالیوا کاسیم ماجالیوا می باشند. [۸]

د) دین و مذهب در تانزانیا و زنگبار

حدود نیم قرن پیش اکثریت مردم این کشور مسلمان بودند. اما اینک سهم مسلمانان در جمعیت این کشور در امارهای دولتی ۳۵ و از سوی جامعه مسلمانان این کشور تا ۵۵ درصد عنوان می‌شود. البته ۹۹ درصد مردم در زنگبار مسلمان هستند. درصد مسیحیان در تانزانیا نیز ۴۰ درصد است.

اسلام در تانزانیا

دین اسلام را تجار عرب، ایرانی و هندی با خود به شرق افریقا، زنگبار و جزایر اطراف ان و سواحل شرقی آفریقا آوردند. در سال ۱۸۹۰ با توافق المان و انگلستان، زنگبار و تانگانیکا تحت قیومت انگلستان قرار گرفت و از ان به بعد حکام انجا دست نشانده انگلیس شدند و سلطه انگلیسی ها را پذیرفتند.هم چنین حدود یکصد سال پیش که مهاجرت هندیان به قاره افریقا و مخصوصا شرق افریقا اغاز شد، شیعیان هندی خوجه و بهره و اسماعیلیه اقاخانی نیز به این کشور مهاجرت نمودند که عمدتا به تجارت پرداختند.

تشکیلات مذهبی مسلمانان

- **شورای عالی مسلمانان تانزانیا**(Bakwata): این شورا در سال ۱۹۶۸ تاسیس شده و تاکنون نقش محوری در امور معنوی و خدمات اجتماعی مسلمانان ایفا کرده است و مدیریت مساجد در سراسر تانزانیا بر عهده دارد. مهم ترین تشکل مسلمانان تانزانیا می باشد که بدنبال انحلال ((انجمن رفاه مسلمانان شرق افریقا)) به منظور هماهنگی کامل با حکومت ایجاد گردیده است و در کلیه استانها و شهرها و روستاها دارای شعبات می باشد. باکواتا با برخی دولتهای کشور های اسلامی همچون مصر و عربستان نیز رابطه داشته و سالانه تعدادی طلبه و دانشجو در این کشورها بورسیه می شوند. باکواتا عملا از تز جدایی دین از سیاست پیروی می کند و و در جهت تقویت مواضع دولت و مبارزه با سیاسی شدن علما و مردم و مساجد گام بر می دارد. باکواتا همواره مورد تایید دولت تانزانیا بوده و دولت در امور مسلمانان تنها با ان شورا مشورت می کند. در اساسنامه باکواتا ذکر شده که این سازمان باید قران و سنت اموزش بدهد و در برگزاری مراسم حج، جشن ولادت پیامبر(ص) و دیگر اعیاد اسلامی فعالیت کند.
- **شورای قرائت قران تانزانیا** (Balukta) : این سازمان بعد از باکواتا دومین تشکل مهم مسلمانان محسوب می شود. بالوکتا گرچه با دولت و همچنین سازمان رابطه العالم در ارتباط می باشد، اما از نظرات انقلابی تری برخوردار بوده و معتقد است که سازمانهای اسلامی باید به نحو فعالتری به مشکلات مسلمانان رسیدگی کنند. این سازمان در دهه ۱۹۸۰ تاسیس شد و هدف اولیه ان گسترش اسلام با ارائه اموزش های دینی و ساخت مساجد بود. اما سپس موضع خود را به سمت برابری مسلمانان و مسیحیان و سپس تاسیس یک کشور اسلامی در تانزانیا متوجه ساخت و با گرد هم اوردن جوانان مسلمان برای این کار جهاد اعلام کرد که موجب شد فعالیت های ان از جانب دولت متوقف شود و فعالیت ان تنها محدود به قرایت و اموزش قران شد.
- **جماعت خوجه شیعه اثنی عشری**: فدراسیون خوجه اثنی عشری افریقا تشکل شیعیان هندی الاصل و دوازده امامی در شرق افریقا می‌باشد و مرکز ان در دارالسلام قرار دارد. عده خوجه‌ها در این کشور بیشتر از هر کشور افریقایی است و طبق بعضی از آمارها تعداد انها در حال حاضر ۲۰/۰۰۰ نفر می‌باشد و در هر یک از استانهای تانزانیا شعباتی دارند. اقدامات فدراسیون حول سه محور اساسی آموزشی، تبلیغ و کارهای عامالمنفعه انجام می‌شود. خوجه‌ها بیش از هر چیز به تشکل و تنسجام خود توجه دارند و در هر منطقه‌ای که حداقل

۲۵۰ خوجه باشد تشکیل یک جمعیت را می‌دهند. تشکیلات آنها انحصاری و بسته است و علیرغم خلوص نیت به اهل بیت (ع) و پایبندی شدید به شعایر و مراسم مذهبی، تمایلی به شرکت سیاهان در مساجد و حسینیه‌های خود ندارند و ظاهرا مسئله نژادی سیاه و سفید بر افکار آنها حاکم است واین موضوع باعث می‌شود که نتوانند سیاهان را جذب کنند.

"مدرسه المنتظر" بزرگترین مرکز آموزشی جماعت خوجه‌های اثنی عشری می‌باشد که دارای سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه می‌باشد. دانش موزان سیاه پوست فقط در مقطع پیش دبستانی این مدرسه دیده می‌شوند که معمولا مسئولین رده بالای دولتی هستند. ایده تشکیل این سازمان اولین بار در سال ۱۹۶۴ پیدا شد و این سازمان رسما در سال۱۹۶۸ شروع به کار کرد. هدف عمده سازمان تبلیغ اسلام بخصوص مذهب اهل بیت در میان آفریقاییان منطقه است.

اسماعیلیه در تانزانیا

جامعه اسماعیلیه تانزانیا که به دو دسته کاملا متمایز تقسیم می‌شوند:

دسته اول: اقاخانی‌ها که کاملا به شیوه غربی‌ها زندگی کرده و قشر ثروتمند جامعه هستند. اقاخانی‌ها افراد غیر اقاخانی را به جمعیت خانه خود راه نمی‌دهند. اینان به لحاظ اعتقادی پایبند به احکام اسلامی نیستند. تعداد آنها در تانزانیا بین ۷ تا ۸ هزار نفر است.

دسته دوم: بهره_ها هستند که رهبر آنان شیخ برهان الدین است. بهره_ها از نظر اعتقادی با اقاخانی_ها تفاوت بسیار دارند. افرادی پایبند به اعتقادات و مراسم هستند. بهره_ها دایره_ای بسته را تشکیل می_دهند که ورود آفریقاییان را به جمع آنها غیر ممکن کرده است. افراد این فرقه از نظر مالی وضع خوبی دارند ولی از نظر ثروت به اقاخانی‌ها نمی‌رسند. تعداد بهره‌ها در سراسر جهان به یک میلیون نفر می‌رسد. لازم به ذکر است که علاوه بر سازمان‌های اسلامی نام برده در تانزانیا طریقه‌های شاذلیه، قادریه و احمدیه هم پیروانی دارند.

مسیحیت در تانزانیا

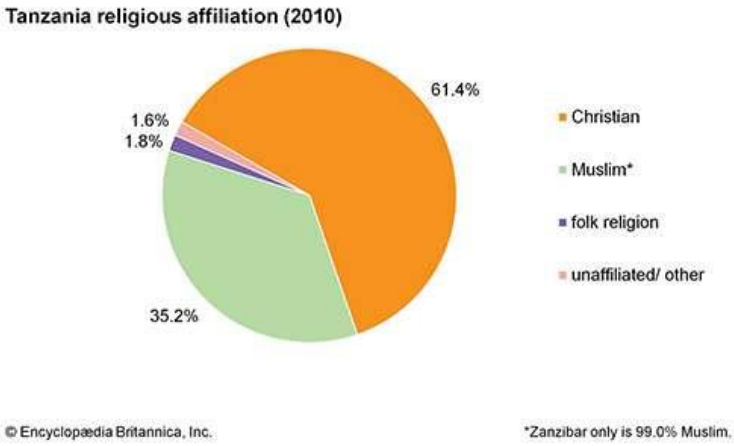
شاخه‌های مختلف مسیحیت از کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس در تانزانیا دارای پیرو هستند. پروتستان‌ها متشکل از فرقه‌های مختلف لوتران، انگلیکن، کلیسای پروردگار و باپتیست‌ها می‌باشند که عضو شورای مسیحیت تانزانیا به‌حساب می‌آیند. در این شورا افراد کلیسای کاتولیک عضویت ندارد و با شورای جهانی کلیساها که مرکز آن در هلند است ارتباط دارد و تبلیغات و مسائل پروتستان‌ها را با آن هماهنگ می‌کند. علیرغم اینکه اکثریت مردم تانزانیا را مسلمانان تشکیل می‌دهند لیکن اکثریت پست‌های کلیدی در اختیار مسیحیان قرار دارد. که یکی از دلایل این موضوع را می‌توان عدم دسترسی مسلمانان این کشور به تحصیلات عالیه به دلیل فقر مالی و عدم برخورداری حمایت از طرف تشکیلات مسیحیت دانست.[۹]

زرتشتیان در زنگبار

در حال حاضر تعداد انگشت شماری از "پارسیان زرتشتی" در جزیره زنگبار زندگی می‌کنند. هم اکنون فقط یک خانواده پارسی در زنگبار اقامت دارند.

آئین های بومی در زنگبار

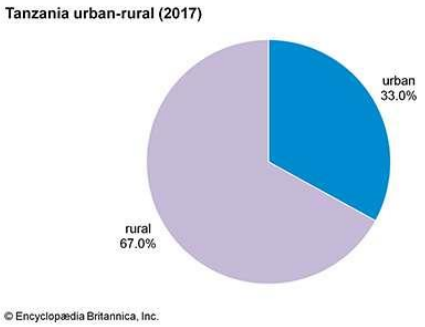
گروه بسیار اندکی از مردمان مجمع الجزایر زنگبار هنوز در زمره آئین‌های سنتی آفریقا محسوب شده و در قالب معتقدان به "انیمیسم" (پرستش ارواح پیشینیان) و "فیتیشیزم" (اعتقاد به وجود قدرت فوق بشری در بعضی اشیا) قرار دارند. این افراد بیشتر در جزایر کوچک و دورافتاده زنگبار زندگی می کنند.[۱۰] شکل (۱) نمودار پیروان ادیان را در تانزانیا نشان می‌دهد.



شکل ۱- نمودار درصد پیروان ادیان را در تانزانیا

توزیع جمعیتی

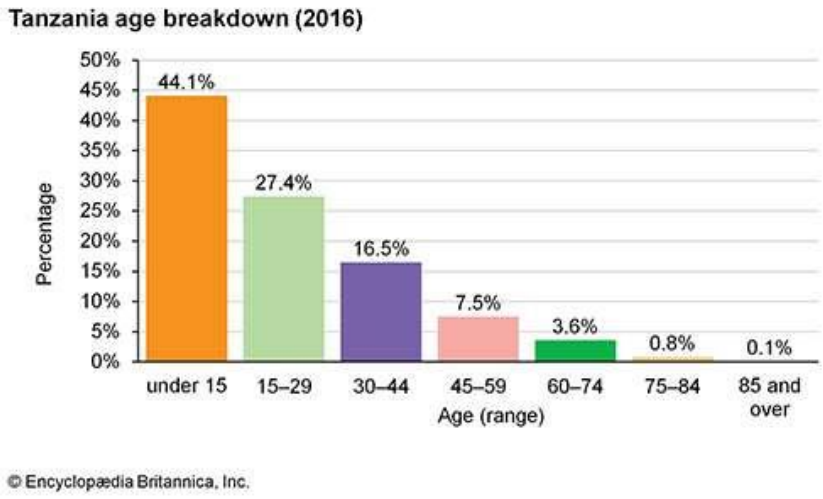
تقریبا یک سوم جمعیت در مناطق شهری زندگی می کنند و بیش از یک دهم جمعیت شهری در دارالسلام زندگی می کنند. بگامویو و تابورا، شهرهای قدیمی مرتبط با تجارت برده عربستان قرن نوزدهم، رکود داشته اند. ثروت Tanga، دومین شهر بزرگ در دوره استعمار بریتانیا، به صادرات سیزال وابسته است. همانطور که کاهش یافته است، رشد شهر افت کرده است. آروشا، مبیا و مونزا به عنوان مراکز تجاری دور از دارالسلام رشد کرده و رشد موروگورو و مشی از مناطق دورافتاده کشاورزی خود بازتاب می یابد. شکل (۲) درصد جمعیتی شهری و روستایی تانزانیا را نشان می دهد.



شکل ۲ – درصد جمعیت شهری و روستایی تانزانیا

روند جمعیتی

نرخ رشد جمعیت تانزانیا پایین‌تر از میانگین جهانی و پایین‌تر از بسیاری از کشورهای کشورهای جنوب صحرای آفریقا است. بیش از دو پنجم تانزانیایی‌ها زیر ۱۵ سال سن دارند. امید به زندگی در حدود ۵۰ سال است که برای شبه قاره بیش از حد متوسط است. در اوایل دهه ۱۹۶۰، تانزانیا شاهد کاهش تدریجی مرگ و میر نوزادان بود. در اوایل قرن بیست و یکم، مرگ و میر نوزادان زیر نرخ متوسط برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا کاهش یافت. شکل (۳) نمودار جمعیتی تانزانیا را بر اساس دسته بندی‌های سن افراد نشان می‌دهد.



شکل ۳- نمودار جمعیتی تانزانیا [۱۱]

۲- جمهوری سنگال

سنگال در نواحی غربی قاره آفریقا در اقیانوس اطلس است، و محل تلاقی اروپا، آفریقا و آمریکا و در تقاطع اصلی حمل و نقل و مسیرهای هوایی است. این کشور با مساحت ۱۹۶،۷۲۲ کیلومتر مربع، در شمال موریتانی، در شرق مالزی، در جنوب گینه و گینه بیسائو، در غرب گامبیا و در اقیانوس اطلس قرار دارد. داکار (۵۵۰ کیلومتر مربع)، پایتخت سنگال، یک شبه جزیره واقع در غربی ترین قسمت کشور است. کشور تخت با خاک‌های شنی که بیش از ۱۳۰ متر ارتفاع ندارد به جز مرز جنوب شرقی تا گینه. سه رودخانه از شرق به غرب عبور می‌کند: سنگال (۱۷۰۰ کیلومتر) در شمال، گامبیا (۷۵۰ کیلومتر) و کازامانس (۳۰۰ کیلومتر) در جنوب آب و هوای گرمسیری خشک به دو فصل تقسیم می شود: فصل خشک از ماه نوامبر تا ژوئن و فصل بارانی از جولای تا اکتبر. سه نوع پوشش گیاهی: جنگل در جنوب، ساوانا در مرکز و استپ در شمال.

سازمان سیاسی

جمهوری سنگال سکولار، دموکراتیک و اجتماعی است. این (نوع حکومت) تضمین می‌کند برابری در مقابل قانون همه شهروندان، صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، مذهب. براساس قانون اساسی به همه باورها احترام گذارد.

الف) زبان

زبان رسمی جمهوری سنگال، فرانسوی است. زبان های ملی عبارتند از دیولا، مالینک، پالر، سرر، سونیکه، والف و هر زبان دیگر ملی که مدون خواهد شد.

رییس جمهور از طریق رأی عمومی و برای هفت سال انتخاب می شود*. رئیس جمهور فعلی جمهوری، مککی صال، در تاریخ ۲۵ مارس ۲۰۱۲ انتخاب شده است. [۱۲]

پارلمان: مجمع نمایندگان جمهوری سنگال، وظایف مجلس ملی و مجلس سنا را به عهده دارد. اعضای آنها عناوین معاونان را به مجلس ملی و سناتورها تحویل می دهند.

سنگال یک سیستم سیاسی clientelist دارد، که شخصی و مبهم است و با مصونیت گسترده برای نخبگان سیاسی مشخص می‌شود. مهم‌ترین نیروی اجتماعی در این کشور، انجمن خیریه صوفی، به ویژه مهم‌ترین خانواده‌های مذهبی درون آن‌ها، است که از زمان دیوف (۱۹۸۱ تا ۲۰۰۰) بخش جدایی‌ناپذیری از سیستم clientelist بوده‌اند. هر چند که ماهیت برادری، سرسپردگی حواریون به اراده رهبر است، هرگز این موضوع که یک راهنما می‌تواند به سادگی disciples را به سیاست‌مدار منتخب خود تحویل دهد، نبوده است. مریدها می‌توانند سیاست را از دستورها دینی متمایز کنند و ترکیبی از عوامل اقتصادی و سیاسی نیز بر تصمیمات تاثیر می‌گذارند.

macky sall (۲۰۱۲ - ۲۰۱۲) در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری او، نسبت به همه نیروهای مذهبی، به نظر می‌رسد که در برخی مسائل خاصی که از زمان انتخابش ایجاد شده‌اند، مشهود است. با این حال، گرچه همچنان قدرت قابل‌توجهی دارند، این مقاله استدلال می‌کند که نفوذ آن‌ها رو به کاهش است. عوامل خارجی از جهان اسلام گرا، این کاهش را در نفوذ توضیح می‌دهند و همچنین عوامل داخلی مانند تجاری سازی خانواده‌های مذهبی و بی‌میلی روزافزون مریدان در حال رشد به موضوعات سیاسی را توضیح می‌دهند . [۱۳] قانون اساسی جمهوری سنگال ، مصوب همه پرسی در سال ۲۰۰۱ ،چهارمین تصویت قانون اساسی در تاریخ این کشور است.

ب) دین و مذهب مردم سنگال

دین رسمی در این کشور اسلام است. ۹۴ درصد مسلمان حنبلی مذهب، ۵ درصد مسیحی، ۱ درصد ائین های بومی. [۱۴]

شیعیان بومی سنگال بیش از دویست هزار نفر و شیعیان مهاجر لبنانی نیز بیش از چهل هزار نفر اند.

مسلمانان سنگال بسیار پایبند احکام اسلام هستند ولی شناخت چندانی از اسلام ندارند. اسلام در سنگال به دو صورت نمود دارد:

الف) اسلام سنتی(طریقه صوفیانه) و پیرو فقه مالکی اند که عبارتند از:

۱) این طریقه که بنیان گذار ان را احمد تیجانی از نوادگان امام حسین (ع) می دانند که نفوذ زیادی هم در دولت سنگال دارد. بین ۴۰ تا۴۵ درصد مسلمانان پیرو این طریقه هستند و علاقه زیادی به اهل بیت دارند.

۲) قادریه: مرکز انها در شهر جاسن است.

۳) مریدیه: این طریقه خرافات بسیاری دارد.

۴) لاین: این طریقه مورد احترام اکثر ماهیگیران سنگالی بوده و اکثر افرادی که به نحوی با دریا سروکار دارند، به نحوی پیرو این طریقه اند. این طریقه معتقد اند ، رهبرشان که همان مهدی(عج) است سرانجام ظهور کرده و جهان را پر از عدل و داد می کند.

ب) اسلام جنبشی: این جنبش ها توسط برخی جوانان و روشنفکران سنگالی که اسلام سنتی را پاسخگوی مشکلات فراوان خود نمی دانند به وجود امده است که از مهم ترین انها می توان به جنبش الله اکبر و مرکز دراسات اسلامی اشاره کرد.[۱۵]

ج) جامعه و فرهنگ

سنگال به عنوان "دروازه ای به آفریقا" شناخته شده است و در مسیرهای مختلف هوایی و دریایی واقع شده است. این کشور در مرز اکولوژیکی قرار دارد که در آن فضای اقیانوس آرام و جنگل های بارانی گرمسیری همگرا هستند. این محیط متنوع، سنگال را با طیف گسترده ای از زندگی گیاهی و حیوانی به ارمغان آورده است. این کشوراز میراث طبیعی غنی است و نمادهای ملی کشور: درخت بائوباب و شیرانتخاب شدند.

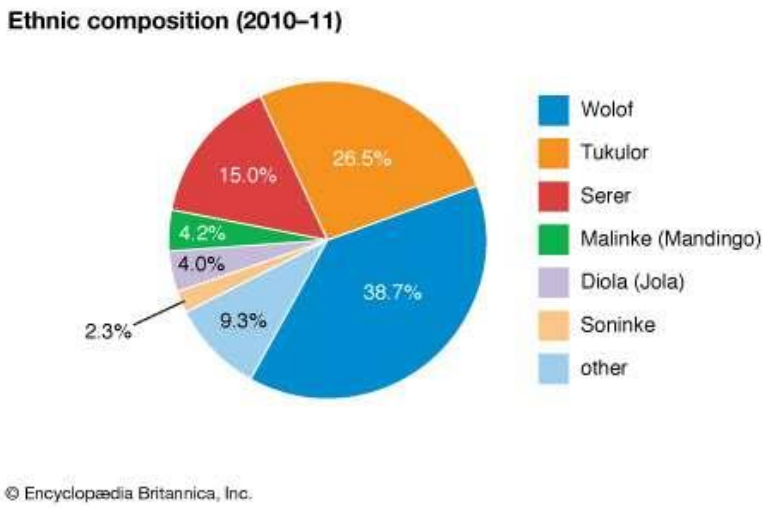
منطقه‌ای که امروزه به عنوان سنگال شناخته می شد، مدتهاست بخشی از پادشاهی های غنا و دیوالف بوده و یک گره مهم در مسیر کاروان های مرزی ساهارا است. این نیز یک نقطه اولیه از تماس اروپا بود و توسط انگلستان، فرانسه، پرتغال و هلند مورد تجدید نظر قرار گرفت قبل از اینکه در اواخر قرن نوزدهم تحت کنترل فرانسه قرار بگیرد. این مستعمره فرانسه تا سال ۱۹۶۰ باقی ماند، که تحت رهبری نویسنده و مدرس لیتوود سنگور، استقلال خود را به دست آورد - اولین بار به عنوان بخشی از فدراسیون کوتاه مدت مالی و سپس به عنوان یک کشور کاملا مستقل.

گرچه سنگال به طور سنتی وابسته به بادام زمینی (دانه های زمینی) است، دولت با تلاش برای تنوع بخشیدن به اقتصاد کشور موفق بوده است. با این وجود، در قرن بیستم، کشور در اثر سقوط اقتصادی، از جمله کاهش ارزش مالی فرانکفورت مالی (Communauté Financière Africaine، CFA)و هزینه بالای پرداخت بدهیها، به شدت تحت تأثیر نیروهای خارجی قرار گرفت. همچنین عوامل داخلی مانند جمعیت به سرعت در حال رشد و بیکاری گسترده است. تقریبا دو پنجم مردم سنگال، Wolof هستند، اعضای یک اجتماع بسیار طبقه بندی شده که ساختار سنتی آن شامل یک شخصیت ارثی و یک گروه موسیقیدانان و قصه گویان به نام گریوت است. فرهنگ معاصر سنگال، به ویژه موسیقی و هنرهای دیگر، به طور عمده بر منابع والف تأثیر می گذارد، اما تأثیرات دیگر گروه های سنگال (از جمله فلوانی، سرر، دیولا و مالینک) نیز مشهود است. ولوف در مسائل مربوط به دولت و تجارت نیز غالب است و این سلطه در طول زمان موجب تنش های قومی شده است؛ زیرا گروه های کم قدرت رقابت میکنند برای برابری با اکثریت وولف. مهمترین شهر سنگال، پایتخت آن، داکار است. این شهرک پر جنب و جوش و جذاب، واقع در شبه جزیره کیپ ورد در کنار ساحل اقیانوس اطلس، یک مقصد گردشگری محبوب است. اگر چه دولت اعلام کرد که قصد دارد سرانجام سرمایه خود را در داخل حرکت دهد، داکار یکی از مهمترین بندرهای آفریقا و یک مرکز اقتصادی و فرهنگی برای غرب آفریقا است.

سنگال به خانه چندین هنرمند و موسیقیدان مشهور بین المللی مشهور است. سایر جنبه های فرهنگ سنگال نیز به دنیای بزرگتری سفر کرده اند، از جمله مهمترین بخش های Senghor از - Negritudeیک جنبش ادبی است که در دهه های ۱۹۳۰، ۴۰s و ۵۰s شکوفا شده و بر ارزش ها و میراث آفریقا تأثیر گذاشته است.

ولف حدود دو پنجم کل جمعیت را تشکیل می دهد و زبان آنها به طور گسترده ای در جمهوری سنگال استفاده می‌شود. تحت ساختار اجتماعی سنتی وولف، شبیه به گروه های دیگر منطقه، مردم به دسته های آزاداندیش (از جمله اشراف، روحانیون و دهقانان)، قبیله (از جمله صنعتگران، گریوتها و آهنگران) و برده ها تقسیم شدند. Serer، تعداد کمی بیش از یک هفتم از جمعیت، به ولووف نزدیک است. Tukulor بیش از یک چهارم جمعیت را تشکیل می دهد. تشخیص دادن Tukulorاز Wolof و Fulani سخت است، زیرا آنها اغلب با هم ازدواج کرده‌اند. دیولا و Malinke بخش کوچکی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. گروه‌های کوچک دیگر شامل مردمی به عنوان Soninke، حاکمان دولت باستان غنا؛

ماوری، که عمدتا در شمال کشور زندگی می‌کنند؛ Lebu of Cape Verde، که ماهیگیران و اغلب مالکین ثروتمند هستند؛ و Basari، مردم باستانی که در مناطق سرسخت کوهستانی Fouta Djallon یافت می شوند. شکل (۴) نمودار درصد نژادهای موجود در سنگال را نشان می‌دهد.



شکل ۴- نمودار درصد نؤادها در جمهوری سنگال

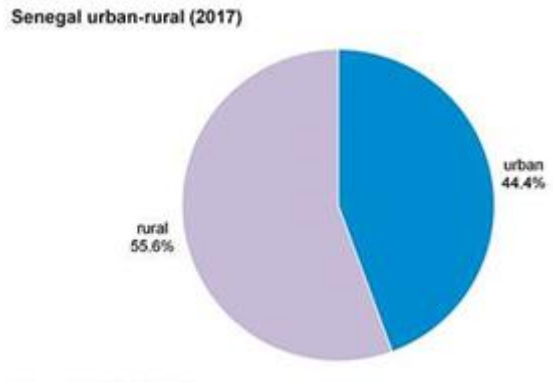
حدود ۳۹ زبان در سنگال صحبت می‌شود، از جمله آنها فرانسوی (زبان رسمی) و عربی می‌باشد. زبان شناسان زبان‌های آفریقایی را که با آنها صحبت شده است، به دو خانواده تقسیم می‌کنند: آتلانتیک و ماندی. خانواده اقیانوس اطلس، که معمولا در نیمی از غربی کشور یافت می‌شود، شامل زبان‌هایی است که به طور گسترده در سنگال، والف، سرر، فوله و دیولا صحبت می شود. زبان ماند در نیمه شرقی یافت می شود و شامل Bambara، Malinke و Soninke است.

مناطق جغرافیایی سنتی

سنگال به پنج منطقه جغرافیایی تقسیم شده است که توسط گروه‌های مختلف قومی زندگی می‌کنند. Ferlo، منطقه مرکزی شمال غربی سنگال، با شرایط محیطی نیمه بیابانی و خاک‌های فقیرآن مشخص شده است. پوشش گیاهی فقط در جنوب ظاهر می‌شود. Fouta در رودخانه سنگال متمرکز است و تقریبا از باکل در شرق تا داگانا در شمال گسترش می یابد.

بافت روستایی

بیش از نیمی از همه سنگالایی‌ها در حومه شهر زندگی می‌کنند، اگرچه مردم هم‌چنان به شهرها، به ویژه شهر پایتخت (داکار)، مهاجرت می‌کنند. بسیاری از کسانی که به محیط‌های شهری مهاجرت می‌کنند، هنوز خودشان را کشاورزانی می‌دانند که به آنجا می‌روند و کارهای عجیب و غریبی انجام دهند تا بتوانند پول خود را به خانواده‌هایشان ارسال کنند. روستاهای متعددی وجود دارد، هر کدام با جمعیت متوسط چند صد نفر. معمولا هر روستا یک محل نشست عمومی، یک مسجد و یک منبع آب (یک چاه، یک بهار یا یک جریان کوچک) دارد. روستا توسط یک رئیس اداره می‌شود که یا به‌صورت سنتی توسط دولت تعیین و یا منصوب می‌شود. زندگی مذهبی توسط مسلمانان یا دیگر رهبران مذهبی سنتی هدایت می‌شود. روستاها براساس مشخصات قومی ساکنان متفاوت هستند، اما همه آنها توسط رهبران سنتی به برخی از شکل‌ها هدایت می‌شوند. شکل (۵) نمودار جمعیتی سنگال را براساس درصد روستایی – شهری نشان می‌دهد.



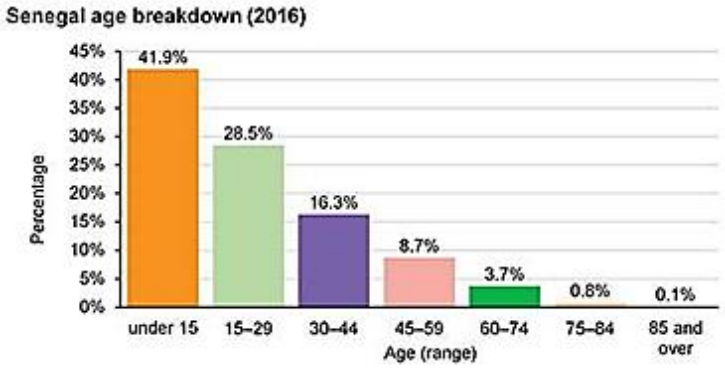
شکل ۵– نمودار جمعیتی سنگال (روستایی – شهری)

بافت شهری

شهرهای سنت لوئیس (تاسیس شده در سال ۱۶۵۹) و داکار (۱۸۵۷) قدیمی‌ترین شهرها در سنگال هستند. سنت لوئیس، که در اصل پایتخت فرانسوی غرب آفریقا بود و به خاطر میراث استعماری‌اش می‌توان به آن اشاره کرد، در سال ۲۰۰۰ یک سایت میراث جهانی یونسکو تعیین شد. در سال ۱۹۰۲ داکار به جای سنت لوئیس به عنوان پایتخت فرانسوی غرب آفریقا جایگزین شد. شهرهای دیگر که اخیرا تاسیس شده‌اند از آغاز استعمار، به طور معمول به‌عنوان نقاط جمع‌آوری برای تجارت بادام زمینی و بعدها به مراکز شهری تبدیل شدند. این شهرها اغلب در کنار خطوط راه آهن متوقف می‌شوند، مانند: Thiès، Tivaouane، Mékheé و Louga (بین داکار و سنت لوئیس) یا در Khombole، Bambey، Diurbel، Gossas، Kafrine و Koungheul (بین Thiès و Kayes، Mali) بعضی بنادر همچنین تبدیل به شهرها شدند. بسیاری از این شهرها روستایی باقی مانده‌اند. علاوه بر این، هر شهر، از جمله سنت لوئیس، روفیسک و گوره که اهمیت زیادی در گذشته داشت، امروزه وابسته به شهر بزرگ داکار است که در آن حدود یک پنجم تمام ساکنان سنگال زندگی می‌کنند.

روند جمعیتی

جمعیت سنگال با نرخی که بالاتر از میانگین جهان است، رشد می‌کند اما قابل مقایسه با سایر کشورهای منطقه است. ارقام امید به زندگی برای سنگال، در حدود ۶۱ سال برای مردان و زنان، در بالاترین سطح در آفریقای جنوبی قرار دارد. جمعیت به شدت نسبت به جوانان وابستگی دارد. بیش از دو پنجم جمعیت زیر ۱۵ سال سن دارد. تراکم جمعیت در سراسر سنگال زیاد نیست. افزایش قابل توجهی در استقرار دائمی شهری وجود دارد که نزدیک به نصف جمعیت است. با این حال، بیکاری و ناتوانی شهری بالا است. شکل (۶) نمودار جمعیتی سنگال را بر اساس درصد سن افراد نشان می‌دهد.



شکل ۶- نمودار توزیع جمعیتی جمهوری سنگال براساس سن افراد [۱۶]

نتیجه گیری

با عنایت به وضعیت سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر دو کشور تانزانیا و سنگال، و توجه به این موضوع که هر دو کشور متبوع از جمله کشورهای توسعه نیافته تلقی می شوند و تلاش زیادی برای داشتن الگوهای مناسبی در زمینه توسعه نسبی دارند، به نظر می رسد جمهوری اسلامی می تواند با فراهم نمودن ارتباط بیشتر نهادها، سازمان ها و تشکل های مردم نهاد و با در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی، نگاه ویژه ای در تدوین برنامه های استراتژیک و نفوذ در این منطقه بکر داشته باشد و بتوان از ظرفیت های بسیار بالای فرهنگی، علمی، اقتصادی، و اعتقادی داخلی در جهت تاثیر گذاری بر این کشورها استفاده نمود.

منابع

[۱] عرب احمدی، امیربهرام. "جامعه و فرهنگ زنگبار." تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۹۵.

[2] David H. Shinn and Joshua Eisenman, China and Africa A Century of Engagement, University of Pennsylvania.

[3] Michael Martin, Agnes G. Mwakaje, Mats Eklund, Biofuel development initiatives in Tanzania: development activities, scales of production and conditions for implementation and utilization,2009, Pages S69-S76.

[4] M Meredith, The state of Africa: a history of fifty years of independence, African Security Review, vol 16 no 1, 2005.

[5] B Sundkler, C Steed, A History of the Church in Africa, Cambridge Univ. Press , 2000.

[۶] محمدحسن خانی، دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

[۷]رضا سیمبر، احمد علی مقیمی، منافع ملی و شاخصهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۱، بهار ۱۱۳۱، صص ۱۸-۷.

[8]http://www.hajij.com/fa/islamic-countries-and-sects/islamic-countries/item/62-1390-01-29-18-10-08

[۹] کتاب سبز، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۸.

[۱۰]عرب احمدی، امیر بهرام، جامعه و فرهنگ زنگبار، سال ۱۳۹۵.

[11] http://www.hajij.com/fa/islamic-countries-and-sects/islamic-countries/item/62-1390-01-29-18-10-08
[12] https://www.sec.gouv.sn/dossiers/le-s%C3%A9n%C3%A9gal
[13] https://academic.oup.com/afraf/article-abstract/115/461/688/2236099

[۱۴]دکترصفوی یحیی، جهان اسلام، جلد ۵، ۱۳۹۳.

[15] www.Hajij.com.
[16] Camille Camara, Andrew Clark, John D. Hargreaves, Republic of Senegal, 2019.